

## An Analytical Study of Naser al-Din Shah Qajar's Travels to the Ottoman Empire

*Ghasem Fattahi*<sup>1</sup>  
*Mehdi Jamalifar*<sup>2</sup>

One of the significant developments of the Naseri era, which contributed to the expansion of relations and politico-religious convergence between Iran and the Ottoman Empire, was the travels of the Shah, princes, and high-ranking Iranian political officials to Ottoman territories. These visits were undertaken for the Hajj pilgrimage, visiting the holy shrines (Atabat), or tourism, and involved meetings and dialogues with the Sultan and high-level Ottoman officials. Utilizing a descriptive-analytical approach, the present study examines the context, circumstances, and outcomes of Naser al-Din Shah's two journeys to the Ottoman Empire. The study's fundamental research question is: What were the precedents and objectives of the Qajar monarch's travels to the Ottoman realm, and what implications did these visits have for Iran-Ottoman relations? According to the research findings, the most significant outcomes of these travels include: establishing a foundation for negotiation and dialogue; reducing religious hostility and conflict; achieving a relative stabilization of tense bilateral relations; the respectful treatment and formal reception protocols extended to the Shah of Iran by Ottoman officials; Naser al-Din Shah's negotiations with the Sultan, high-ranking Ottoman dignitaries, and foreign ambassadors residing in Istanbul; the Shah's exposure to new manifestations of civilization and culture; and laying the groundwork for potential Islamic political and religious unity and convergence between Iran and the Ottoman Empire.

• **Keywords:**

Iran, Ottoman Empire, Qajar, Naser al-Din Shah, Travels.

---

<sup>1</sup>. PhD in Islamic History, Independent Researcher, Visiting Professor at Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author). Gh5fatahi@gmail.com

<sup>2</sup>. Faculty Member, Department of History, University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. m.jamalifar@mazaheb.ac.ir



## بررسی تحلیلی سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به عثمانی

قاسم فتاحی<sup>۱</sup>

مهدي جمالی‌فر<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از تحولات عصر ناصری که در توسعه روابط و هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان دو کشور ایران و عثمانی اثرگذار بود، سفرهای شاه، شاهزادگان و مقامات عالی‌رتبه سیاسی ایران به عثمانی با هدف حج‌گزاری، زیارت عتبات و یا سیروسیاحت و نیز دیدار و گفت‌وگوی آنان با سلطان و مقامات بلندپایه آن کشور بود. پژوهش حاضر زمینه‌ها و چگونگی دو سفر ناصرالدین شاه به عثمانی و نتایج و پیامدهای آن را با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی می‌کند. پرسش اساسی در پژوهش حاضر این است که سفرهای پادشاه قاجار به قلمرو عثمانی با چه پیش‌زمینه‌ها و اهدافی صورت گرفت و چه پیامدهایی در عرصه روابط ایران با عثمانی داشت؟ بر اساس یافته‌های این پژوهش فراهم شدن زمینه مذاکره و گفت‌وگو، کاهش خصومت و درگیری مذهبی، ساماندهی نسبی روابط تنش‌آمیز میان دو کشور، رفتار همراه با احترام مقامات عثمانی با شاه ایران و انجام تشریفات رسمی استقبال از وی، مذاکرات ناصرالدین شاه با سلطان و بلندپایگان عثمانی و سفرهای خارجی مقیم اسلامبول، آشنایی پادشاه ایران با مظاهر جدید تمدنی و فرهنگی و نیز فراهم شدن زمینه اتحاد و هم‌گرایی سیاسی و مذهبی اسلامی میان ایران و عثمانی از جمله مهم‌ترین پیامدهای این سفرها بوده است.

### واژگان کلیدی:

ایران، عثمانی، قاجار، ناصرالدین شاه، سفرها.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

<sup>۱</sup>. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، پژوهشگر آزاد، استاد مدعو دانشگاه شهرکرد، شهرکرد- ایران (نویسنده مسئول)

Gh5fatahi@gmail.com

<sup>۲</sup>. عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران- ایران m.jamalifar@mazaheb.ac.ir



## مقدمه

تشکیل دولت صفویه در سال ۹۰۷ق. / ۱۵۰۱م. و در پی آن رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، پیامدهای مختلفی داشت که یکی از مهم‌ترین آنها مطرح شدن مذهب به‌عنوان یک عامل اساسی تعیین‌کننده در روابط میان پیروان مذاهب اسلامی در داخل و مناسبات خارجی ایران با همسایگان در عرصه سیاست خارجی بود. زیرا از این پس منازعه سیاسی میان ایران با عثمانی از رقابت سیاسی و توسعه ارضی پیشین به خصومت و اختلاف مذهبی نیز کشیده شد. کوشش‌های نادر شاه افشار برای ایجاد نوعی وحدت عقیدتی میان مسلمانان و پایان دادن به اختلافات دو کشور نیز در نهایت با موفقیت همراه نبود. در دوران کوتاه فرمانروایی زندیان، با اینکه تسامح و عدم تعصب در امور مذهبی تا حدی به این خصومت پایان داد، اما تضاد منافع اقتصادی سبب‌ساز صف‌آرایی ایران و عثمانی بر سر بندر بصره شد. در دوران نسبتاً طولانی حکمرانی قاجارها (۱۳۴۴-۱۲۱۰ق.) گرچه تمایزات مذهبی، ایران را از عثمانی و تا حدی افغانستان، ترکستان و آسیای میانه جدا می‌کرد، اما مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجاریه را موضوعات، عناصر و مؤلفه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر قرار می‌داد. پس از امضای معاهدات ارزش‌الروم تحولات مثبتی در روابط دوجانبه ایجاد شد و دولت ناصری تلاش‌های چشمگیری برای هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان دو کشور از خود نشان داد. یک نمونه از این تلاش‌ها که موضوع پژوهش حاضر است، اقدام شاه در سفر به خاک عثمانی به عنوان امری بی‌سابقه در تاریخ ایران است که پیامدهایی مهم به دنبال داشت.

بررسی اسناد و منابع تاریخی نشان می‌دهد که طی دوران قاجاریه در عرصه سیاست خارجی و روابط با همسایگان، اگر چه ظاهراً ایران را تمایزات مذهبی از عثمانی جدا می‌کرد، اما در مجموع موضوعات، عناصر و مؤلفه‌هایی نظیر: نامشخص بودن مرزهای طولانی میان دو کشور، رفت‌وآمد عشایر مرزنشین و بروز برخورد میان آنان، وجود اماکن و مشاهد متبرکه شیعی و اقامت ایرانیان در شهرهای عتبات عالیات و نیز رفتار نامتعارف و توهین‌آمیز عمال دولت عثمانی با زوآر و حجاج ایرانی، مسائل اقتصادی مرتبط با تجارت و گمرکات، ادعاهای عثمانی نسبت به برخی از نواحی غربی و جنوبی ایران، سفرهای شاه و مقامات عالی‌رتبه ایران به عتبات و مکه و مدینه در خاک عثمانی، ظهور فرقه‌های مذهبی چون بابیت، بهائیت و وهابیت هم‌زمان با حکومت قاجاریه، مطرح شدن طبقه‌ای جدید موسوم به روشنفکر در ایران و عثمانی و مداخلات قدرت‌های خارجی و اثرات آن بر روابط دوجانبه میان دو کشور مسلمان، مناسبات ایران و عثمانی را تحت تأثیر قرار می‌دادند. در این میان، دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق.) در تاریخ معاصر ایران از جایگاه و اهمیت بسیاری برخوردار است و این اهمیت جدای از تحولات سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی این دوره، سیاست هم‌گرایانه شخص شاه را نیز در بر می‌گیرد. ناصرالدین شاه در طول حدود نیم قرن حکومت خویش توانست علاوه بر غلبه بر شورش‌ها و بدعت‌های مذهبی و پایان بخشیدن به اعتراضات مردمی با اتخاذ یک سیاست مذهبی تا حدی تعاملی با علما، همچنین با تساهل و مدارا در عرصه داخلی و خارجی و نیز با بهره‌گیری از استراتژی‌های مختلف در راستای رفع اختلافات و ایجاد هم‌گرایی سیاسی و مذهبی با همسایگان گام بردارد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل سفرهای ناصرالدین شاه به قلمرو عثمانی به عنوان یکی از راهکارهای دستیابی به هم‌گرایی سیاسی و مذهبی در سیاست خارجی ایران عصر ناصری است که با بهره‌گیری از منابع دست اول، اسناد آرشیوی و اسناد منتشره، کتاب‌های خاطرات، سفرنامه‌ها و تحقیقات جدید، زمینه‌ها، چگونگی و نیز نتایج و پیامدهای سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به قلمرو عثمانی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که سفرهای ناصرالدین شاه به قلمرو عثمانی با توجه به چه زمینه‌ها، اهداف و انگیزه‌هایی صورت گرفت و چه پیامدهایی در ایجاد هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان دو کشور داشت؟

### پیشینه تحقیق

آثار مرتبط با موضوع سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به عثمانی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول دو سفرنامه عتبات و فرنگ است که توسط شخص شاه نوشته شده است. دسته دوم آثاری است که توسط دیگران در موضوع سفر عتبات شاه نگاشته شده است و دسته سوم پژوهش‌های جدید است که با موضوعات مرتبط با سفرهای ناصرالدین شاه به انجام رسیده است. از مهم‌ترین آثار دسته اول، سفرنامه برجای مانده از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۲) به عراق در خاک عثمانی با عنوان: «شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)» است که به قلم شخص شاه و یا تقریر اوست. همچنین ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۲) گزارش مفصلی از سفر اول خود به فرنگ (اروپا) و نیز اقامتش در پایتخت عثمانی و دیدار با سلطان و مقامات این کشور را با نام: «سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ» به رشته تحریر درآورده است. اگر چه هم‌زمان با سفر ناصرالدین شاه به عتبات، گزارشی از این سفر به قلم یکی از علمای کربلا به نام سید محمدحسین شهرستانی (۱۲۸۷ق.)<sup>۱</sup> نیز با عنوان: «سفر ناصرالدین شاه به عتبات» به

<sup>۱</sup> نسخه مکتوبی از این اثر در قالب کتاب یا مقاله موجود نیست. در واقع این اثر رساله‌ای به صورت نسخه خطی است که در اختیار رسول جعفریان قرار داشته و ایشان آن را با مشخصات زیر در فضای مجازی منتشر کرده است: «گزارش سفر ناصرالدین

شاه به عتبات به قلم یکی از علمای کربلا» مندرج در سایت: <https://www.khabaronline.ir/news/156624>

نگارش درآمده است که در دسته دوم آثار مرتبط با موضوع سفرهای ناصرالدین شاه قاجار به عثمانی قرار می‌گیرد. اما از دسته سوم، علاوه بر اشارات پراکنده‌ای که به سفرهای شاه به عثمانی در برخی از منابع و متون معاصر با دوره ناصری، کتاب‌های تاریخی، خاطرات و تحقیقات جدید شده است،<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر نیز چندین مقاله تدوین و منتشر شده که تا حدی مرتبط با سفرهای ناصرالدین شاه به قلمرو عثمانی و موضوع این پژوهش است: چنانکه حسن دانایی‌فر (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «عناصر و مؤلفه‌های تاثیرگذار در روابط اقتصادی، بازرگانی و گردشگری دینی ایران و عراق» به سفر ناصرالدین شاه به عتبات نیز اشاراتی نموده است. نفیسه واعظ (۱۳۹۶) در بخشی از مقاله‌ای به نام: «انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج» به صورت گذرا به سفر زیارتی ناصرالدین شاه به عراق پرداخته است. زینب آذربادگان (۲۰۱۸) نیز در اثر خود با عنوان: "*Imagined Geographies, Re-invented*" "Histories: Ottoman Iraq as Part of Iran" مدعی است که سفر رجال قاجار از جمله ناصرالدین شاه به عراق عرب به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای تأکید و مشروعیت بخشیدن به ادعاهای تاریخی و سرزمینی ایران بر عراق تلقی می‌شود.

### مهم‌ترین سفرهای رجال قاجار به خاک عثمانی در عصر ناصری

یکی از سفرهای مهم مقامات ایرانی به خاک عثمانی سفر علیرضا خان عضدالملک به عراق است. عضدالملک در اواخر سال ۱۲۸۳ق. از طرف ناصرالدین شاه مأموریت یافت تا خشت‌های طلای اهدایی شاه به حرم امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) در کاظمین را به عراق انتقال دهد. وی ضمن انجام موفقیت‌آمیز مأموریت خویش، گفت‌وگوها و مذاکراتی نیز با مقامات عثمانی در راستای تحقق هم‌گرایی میان دو کشور داشت (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۲۴-۲۰). فرهاد میرزا ملقب به معتمدالدوله فرزند عباس میرزا و از عموزادگان ناصرالدین شاه نیز که در زمان خود شخصیتی علمی و فرهنگی به‌شمار می‌آمد، در شعبان سال ۱۲۹۲ق. از طریق دریا وارد خاک عثمانی شد. وی در اسلامبول با اعضای سفارت ایران، ایرانیان ساکن در آن شهر و نیز سلطان و مقامات دولت عثمانی دیدار کرد. فرهاد میرزا پس از به‌جای آوردن اعمال حج تمتع از مسیر اسلامبول به ایران بازگشت (معتمدالدوله، ۱۳۶۶: ۱۱۲-۷۲). از میان دیگر سفرهای مقامات و رجال ایرانی به خاک

۱. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۴۹)؛ فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۳۶۶)؛ سلطان مراد حسام‌السلطنه (۱۳۷۴)؛ میرزا حسن حسینی‌فسایی (۱۳۷۸)؛ علی خان امین‌الدوله (۱۳۷۰)؛ احمد خان ملک ساسانی (۱۳۵۴)؛ محمدیوسف ریاضی‌هروی (۱۳۷۲)؛ عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی (۱۳۸۶)؛ Abbas Amanat (1997)؛ علی‌الوردی (۱۳۹۱).

عثمانی در عصر ناصری، سفر سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه عموی دیگر ناصرالدین شاه به دلیل جایگاه سیاسی و نظامی برجسته او در ساختار سیاسی، نظامی دولت قاجار از اهمیت زیادی برخوردار است. وی در شعبان ۱۲۹۷ق. به قصد انجام اعمال حج تمتع عازم سفر شده است و در مسیر عزیمت به مکه و مدینه و نیز در راه بازگشت به ایران با توقف در پایتخت عثمانی با سلطان و مقامات بلندپایه این دولت دیدار داشته است (حسام‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۱۷-۷۲).

### سفر تاریخی ناصرالدین شاه به عراق عرب در خاک عثمانی

از وقایع مهم دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، سفر وی به عتبات عالیات در عراق عرب و نیز مذاکره با مقامات عثمانی در سال ۱۲۸۷ق. / ۱۸۷۰م. است. شاید بتوان این سفر را به عنوان مهم‌ترین رویداد و تحول بزرگ در روابط دو کشور از زمان نادر شاه به این سو تلقی کرد. اگر چه ناصرالدین شاه در مدت بیش از بیست و دو سالی که تا این زمان از سلطنت وی می‌گذشت، تمام تلاش و مساعی خود را برای رفع کدورت و دشمنی میان ایران و همسایه غربی خود به کار برده بود، و مناسبات دو کشور طی این دوره بهبودی قابل‌ملاحظه‌ای یافته بود. با این حال، راضی کردن دولت عثمانی به این مسافرت با آن همه سابقه خصومت و اختلافات فی‌مابین کار آسانی نبود. لذا شاه در سال ۱۲۸۵ق. / ۱۸۶۸م. سفارت ایران در اسلامبول را به درجه سفارت کبری ارتقاء داد و به میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیرمختار ایران در باب‌عالی، مقام سفارت کبری اعطاء کرد (مهدوی، ۱۳۸۶: ۲۸۸). خان‌ملک ساسانی سال‌های مأموریت میرزا حسین خان را دوران اقتدار سفارت ایران در اسلامبول می‌داند (خان‌ملک ساسانی، ۱۳۵۴: ۲۴۰). در هر حال میرزا حسین خان مشیرالدوله نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در هماهنگی و تدارک سفر ناصرالدین شاه به خاک عثمانی داشت. او طی مدت طولانی اقامت در اسلامبول و از طریق ارتباطاتی که با رجال و مقامات دولت عثمانی برقرار کرده بود، زمینه‌ها و شرایط این سفر را به خوبی فراهم کرد.

سفرهای خارجی ناصرالدین شاه شامل یک سفر به عتبات و سه سفر به اروپاست که در نوع خود اولین‌ها بین تاریخ پادشاهان ایرانی و مسلمان بود. سفر ناصرالدین شاه به خاک عثمانی در زمان صلح، یک اتفاق کاملاً بی‌سابقه بود، چنانکه صاحب فارسنامه ناصری می‌نویسد: «شاهنشاهان مالک ایران به غیر از زمان خصومت و جنگ با سلاطین روم مسافرت به عراق عرب که از ممالک روم شمرده‌اند، نکنند و اول شهریاری که از روی مسالمت و صفا به عزم زیارت قبور منوره ائمه هدی(ع) وارد عراق عرب بی‌قصد تملک گشته [...] ناصرالدین شاه قاجار ادام الله ایام

سلطنته و شوکت می‌باشد» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۸۳۵/۱). به روایت میرزا علی‌اصغر خان امین‌الدوله، آرامش حاکم بر کشور به ناصرالدین شاه جرأت داد که دایره سفرهای خود را وسعت داده و از خاک ایران هم قدم بیرون نهد. بنابراین، به مشیرالدوله وزیرمختار ایران در اسلامبول نوشت: «که بر سبیل نذر باید به عراق عرب سفر کرده قبور ائمه علیهم‌السلام را زیارت کنم. [...] اولیاء دولت عثمانی بی‌مضایقه قبول کردند و به ایالت بغداد احکام فرستاده شد که مقدم شاه را بپذیرند» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۶). عملکرد دقیق، درست و هوشمندانه مشیرالدوله باعث شده بود تا وی مورد اطمینان دولت عثمانی قرار گیرد و بتواند رضایت خاطر اولیای دولت متعصب عثمانی را در اظهار موافقت با سفر ناصرالدین شاه پیشوای کشور شیعی ایران به عراق عرب و زیارت عتبات عالیات کسب کند. پس از پایان این سفر، میرزا حسین خان چنان مورد توجه شاه قرار گرفت که در محرم سال ۱۲۸۸ق. به ایران احضار (بایگانی نخست‌وزیری استانبول، اراده خارجی، ش ۱۹۸۵) و حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) به جای وی به عنوان سفیر ایران در عثمانی منصوب شد (بایگانی نخست‌وزیری استانبول اراده خارجی، ش ۱۴۸۵، برگ ۳).<sup>۲</sup> ناصرالدین شاه، ابتدا مشیرالدوله را به وزارت عدلیه منصوب و سپس او را صدراعظم کرد (ممتحن‌الدوله شقاقی و هاشم خان، ۱۳۶۵: ۳۴-۳۱).

بنابراین، نخستین سفر ناصرالدین شاه به خارج از کشور، سفر او به عراق برای زیارت مشهد متبرکه کربلا، نجف و کاظمین بود (Soofizadeh, 2013: 117). در این سفر که عده زیادی از درباریان همراه شاه بودند، ناصرالدین شاه روز بیستم جمادی‌الآخر سال ۱۲۸۷ق. / ۱۸۷۰م. از پایتخت خارج شده و از راه همدان و کرمانشاهان عازم بغداد گردید. در این سال بیماری وبا و قحطی در ایران شیوع پیدا کرد و ناصرالدین شاه نیز به این بیماری مبتلا شد. او نذر کرد که در صورت بهبودی به زیارت نجف و کربلا برود و بدین ترتیب ۲ ماه و ۲۲ روز در عتبات اقامت کرد (Sarkaya, 1993: 422؛ دوغان، ۱۳۹۷: ۳۹۳).

در هر حال بر اثر مساعی مشیرالدوله، دولت عثمانی در زمان حکومت سلطان عبدالعزیز با سفر زیارتی ناصرالدین شاه به این کشور موافقت کرد. پس از هماهنگی‌های سیاسی و با حضور مدحت پاشا بکتاشی حاکم عراق و نماینده سلطان عثمانی مسافرت شاه آغاز شد. به نوشته مؤلف عین‌الوقایع قبل از حرکت به سوی عتبات، به دستور ناصرالدین شاه، آلبرت کاستگر خان<sup>۳</sup> مهندس اتریشی در مسیر تهران تا خانقین راه کالسکه‌رو ایجاد کرد (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۸۴).

<sup>۱</sup>. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۶.

<sup>۲</sup>. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۸.

<sup>۳</sup>. Albert Kastegerkhan

کاروان شاه و همراهان از راه ساوه، همدان، کرمانشاه و خانقین به عراق آمد و اماکن مقدسه و مذهبی در شهرهای کاظمین، سامرا، کربلا، نجف و مدائن را زیارت کرد. این سفر هم‌زمان با شروع دوران جدیدی از نزدیکی روابط میان ایران و عثمانی و مهم‌ترین واقعه در روابط دو کشور از سال ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۲م. بود که ناصرالدین شاه به عراق تحت حاکمیت ترکان عثمانی جهت زیارت عتبات عالیات سفر کرد (دانایی فر، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

در اول جمادی‌الآخر سال ۱۲۸۷ق. سلطان عبدالعزیز، پادشاه عثمانی با ارسال نامه‌ای به ناصرالدین شاه قاجار ضمن اظهار خوشوقتی از تصمیم وی برای سفر به عراق و زیارت مشاهد متبرکه و تحقق آرزوی دیرینه وی برای زیارت عتبات عالیات، کمال پاشا را به عنوان نماینده مخصوص خود به منظور پذیرایی از شاه و همراهان در این سفر معرفی کرد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، س ۹۵- پ ۵- ک ۲۳- ۲۸۷ق.). فرمان‌های دولتی ارسالی از اسلامبول خطاب به مدحت پاشا والی بغداد نیز وی را موظف نموده بود تا از شاه ایران به بهترین صورت پذیرایی کند. مدحت پاشا خود را برای پذیرایی از ناصرالدین شاه آماده ساخت. در این راستا کاخ بزرگی در بوستان نجیبیه بنا کرد که این کاخ بعدها به بیمارستان مجیدیه تغییر یافت. همچنین مدحت پاشا پل تازه‌ای را جایگزین پل قدیم نمود که کاروان شاه از روی آن عبور کند (الوردی، ۱۳۹۱: ۱/۴۱۰-۴۰۹).

بر اساس محتوای یکی از اسناد، ناصرالدین شاه در آستانه سفر به عتبات با ارسال دست‌خطی خطاب به میرزا حسین خان مشیرالدوله پیشنهاد وی برای آوردن مدحت پاشا والی بغداد به کرمانشاهان و استقبال از موكب شاه و همراهان قبل از ورود به خاک عثمانی را به دلیل آماده نبودن اسباب پذیرایی کرمانشاهان رد می‌کند (بایگانی وزارت امور خارجه، اصل مکاتبات، ش ۱۷، ص ۱۷).<sup>۱</sup> با وجود نگرانی برخی از مقامات عثمانی که مبدا سفر شاه به شهرهای عمدتاً شیعه‌نشین در آن زمانه پُرتنش، سبب برانگیخته شدن نوعی احساسات ضدعثمانی شود، اما در هر حال، مدحت پاشا که با مشیرالدوله رفاقتی داشت، پذیرایی دوستانه‌ای از شاه به عمل آورد و ناصرالدین شاه به عنوان مهمان سلطان عثمانی نه تنها توسط مقامات محلی، بلکه همچنین توسط علماء و مردم هم تکریم و احترام شد (امانت، ۱۴۰۰: ۳۱۲-۳۱۱). ناصرالدین شاه در ۲۸ شعبان ۱۲۸۷ق. / ۲۳ نوامبر ۱۸۷۰م. به بغداد وارد شد. مدحت پاشا برای استقبال از وی به سمت خانقین حرکت کرد. در آن سال عراق نیز دچار قحطی و گرانی شدید شده بود. بنابراین، مدحت پاشا در پذیرایی از تعداد فراوان افراد و چهارپایان همراه شاه ایران دچار سختی و مشقت زیادی شد (الوردی، ۱۳۹۱: ۱/۴۱۰-۴۰۹).

<sup>۱</sup>. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۳.

برای آگاهی از آنچه در سفر ناصرالدین شاه به عراق عرب گذشت، دو گزارش مستند در اختیار داریم: یکی سفرنامه عتبات خود شاه است که با نام‌های مختلف و با اندکی کاستی و اضافات منتشر شده است و دیگری گزارشی از این سفر به قلم یکی از علمای کربلا به نام آیت‌الله سید محمدحسین شهرستانی است. زمانی که ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۷ق. به زیارت عتبات آمد، نویسنده این گزارش که خود از جمله مستقبلیان از وی در منزل مسیب در مسیر نجف به کربلا بوده، شرحی از سفر او نگاشته است (<https://www.khabaronline.ir/news/156624>). در بخشی از متن گزارش آیت‌الله سید محمدحسین شهرستانی از سفر ناصرالدین شاه به عتبات آمده است که: «از جمله حوادث سال ۱۲۸۷ق. این است که سلطان عادل ناصرالدین شاه عزم زیارت امام حسین علیه‌السلام را کرد. در این باره از سلطان عبدالعزیز عثمانی اجازه گرفته شد و او اجازه داد. [ناصرالدین شاه] همراه شمار اندکی از سپاه و تعداد زیادی از حرم و خدم با اسباب و اثاثیه سلطنتی و شماری از ارکان دولت مانند وزیر و دبیر و ... راهی زیارت (عتبات) شد» (<https://www.khabaronline.ir/news/156624>).

در هر حال، کاروان شاه و همراهان در ۲۱ شعبان ۱۲۷۸ق. پس از عبور از مرز ایران وارد شهر خانقین در خاک عراق عرب شده و مورد استقبال رسمی مقامات عثمانی قرار گرفت. بر اساس یادداشت‌های ناصرالدین شاه در سفرنامه خود و نیز گزارش منابع تاریخی، کاروان شاه و همراهان در روز ۲۱ ماه شعبان پس از عبور از مرز، وارد شهر خانقین در خاک عراق عرب شده و مورد استقبال مدحت پاشا والی بغداد و سایر مقامات نواحی عراق و چندین هزار نفر سواره و سرباز عثمانی قرار می‌گیرند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۸۰). وقتی اردوی شاهی به خانقین رسید، مدحت پاشا والی بغداد و مأمورین دولت عثمانی، چه آنها که از اسلامبول رسیده بودند و چه اعضاء و ارکان ایالت، موکب همایونی را استقبال نمودند. شاه در روز ۲۸ ماه شعبان وارد شهر بغداد شد و اهالی بغداد و مقامات این شهر نیز استقبال و پذیرایی شایان توجهی از او به عمل آوردند. بنا بر گزارش شهرستانی، «والی بغداد مدحت پاشا و کامل [کمال] پاشا از طرف سلطان عبدالعزیز تا خانقین آمده، در آن جا از وی استقبال کردند. سپس او را وارد بغداد کرده و شاه را در قصری بلندمرتبه و زیبا که به احترام او تعمیر شده بود، اقامت دادند» (<https://www.khabaronline.ir/news/156624>). موکب شاهی در روز پنجشنبه هفتم رمضان نزدیک مغرب از دروازه موسوم به دروازه نجف به شهر کربلا وارد شد. در اینجا بود که ناصرالدین شاه با استقبال عجیب، با شکوه و غیرمنتظره‌ای مواجه شد: «[...] حالت غریبی داشتم. گنج بودم نمی‌دانستم کجا می‌روم. عرب، عجم، هندی، عثمانی از هر طایفه هر جور اشخاص بودند» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۱۴). به روایت میرزا علی اصغر خان امین‌الدوله، «سیاق استقبال و

احترامی که در ورود شاه به بغداد مجری شد و عمارتی که برای قدوم همایونی به تازگی و در خارج شهر بنا کرده بودند و اثاث و اسباب عمارت و ارکان و اجزایی که از دایره ایالت بغداد با البسه رسمیه حاضر و به شاه معرفی شدند در نظر همایون بی‌نهایت جلوه کرد» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۶). ناصرالدین شاه در ورود به شهر بغداد نیز مورد استقبال باشکوهی قرار گرفت» (https://www.khabaronline.ir/news/156624). شاه در روز ۲۹ شعبان عازم زیارت قبور امامان شیعه در کاظمین شد و مورد استقبال اهالی کاظمین و خدام حرم قرار گرفت (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱/۸۳۶).

ناصرالدین شاه به هنگام مراجعت به بغداد در یک اقدام همگرایانه و با هدف نشان دادن همسازگری سیاسی و مذهبی به بقعه امام اعظم ابوحنیفه وارد و برای ایشان فاتحه خواند: «[...] از اینجا به بقعه امام اعظم وارد شدیم. بنای عالی این بقعه از سلطان مراد است ضریح نقره دارد که هم از سلطان مراد است. قندیل نقره خوبی هم سلطان عبدالعزیز خان فرستاده است بالای سر آویخته‌اند، یک جفت شمعدان نقره بزرگی هم که بسیار خوب زرگری کرده‌اند، سلطان عبدالمجید خان مرحوم فرستاده است. فاتحه کردم بیرون آمدم» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲: ۱۱۳).

مقامات عثمانی یک کشتی بخار نیز جهت رفت‌وآمد از شط برای موکب شاهی در نظر گرفته بودند که شاه و همراهان سوار بر کشتی بخار گشته و به زیارت قبر سلمان فارسی در مداین رفتند. روز چهارم رمضان، شاه پس از زیارت امامان در کاظمین (ع) با علما و سادات و خدام آستانه مبارکه دیدار و آنان را مورد تفقد قرار داده هدایایی به ایشان اعطا کرد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱/۸۳۶). ناصرالدین شاه در مدت اقامت در بغداد روز شنبه دوم رمضان سال ۱۲۷۸ق. به زیارت قبر شیخ عبدالقادر گیلانی نیز رفت: «[...] مردم سنی بسیار به شیخ اعتقاد دارند. خود مقبره هم [دارای] گنبد عالی بود. ضریح نقره داشت. گفتم زیارتی بخوانند. گفتند: چیزی نداریم. بعد یک نفر به عربی زیارتنامه [ای] ساخته بود که اتحاد دولتین اسلام را شیخ زیاد بکند و چه بکند[...].» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۰۵). در ادامه این سفر شاه از بغداد عازم کربلا شد و در مسیر راه روز سه شنبه پنجم رمضان در قریه مسیب در کنار شط فرات اردو زد. در آنجا بود که شماری از علما و خادمان حرم از او استقبال کردند. شهرستانی که خود در میان مستقبلیین از شاه بوده گزارش مفصلی در مورد چگونگی ملاقات علما با ناصرالدین شاه در منزل مسیب آورده است (https://www.khabaronline.ir/news/156624).

ناصرالدین شاه در بدو ورود به کربلا هم با استقبال غیرمنتظره‌ای روبرو شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۱۴). وی پس از ورود به شهر، به زیارت مرقد شهدای کربلا شتافت و از جلو در

صحن پیاده گشته و در حالی که سیل اشک از چشمانش جاری بود، مقبره امام حسین، حضرت عباس و سایر شهدای عاشورای سال ۶۰ ق. را زیارت نمود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۸۳۸/۱-۸۳۷). به روایت شهرستانی که شاهد عینی وقایع بوده است، «شاه در هر شبانه روز، بین ظهر و مغرب برای زیارت می آمد. صحن را برای وی خلوت می کردند. او و خانواده اش زیارت کرده دوباره به منازل خود بازمی گشتند. در باقی اوقات مردم در رفت و آمد به حرم آزاد بودند. روز شنبه از علما خواست تا به محل اقامت وی بروند. جناب میرزا علی نقی [طباطبایی]، فاضل محقق الاستاد اردکانی و جمعی دیگر در یک گروه کوچک نزد شاه رفتند و نهایت احترام را به آنان گذاشت» (https://www.khabaronline.ir/news/156624).

روز چهارشنبه دوازدهم ماه رمضان، موکب ناصرالدین شاه به عزم زیارت آستان علی (ع) به سمت شهر نجف حرکت و روز سیزدهم وارد حومه شهر نجف شدند: «... کمال پاشا، حسام السلطنه وزیر خارجه و ... بودند صحبت شد. [..] امروز صبح قبل از سواری در سراپرده، بعضی از علمای نجف که به استقبال آمدند، به حضور آمدند [..] از دم وادی السلام رد شده، علمای نجف و مشایخ، طلاب زیاد استقبال آمده بودند، جمعیت زیادی بود، اما همه آخوند و معمم» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۲۵-۱۲۴).

ناصرالدین شاه در روز پنجشنبه ۱۴ رمضان وارد نجف شد و در آنجا نیز با علماء به همان شیوه کربلا رفتار کرد. او در شهر نجف نزدیک باب السور اقامت داشت و از آن مکان به زیارت می رفت و بازمی گشت (https://www.khabaronline.ir/news/156624). شاه ایران پس از زیارت بارگاه امام علی (ع) بر سر مقبره جد بزرگش آقا محمد شاه رفته و قرائت فاتحه نمود و در روز پانزدهم رمضان قبر مسلم ابن عقیل و سایر بزرگان دین را زیارت نمود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۸۳۸/۱-۸۳۷). ناصرالدین شاه در روز شنبه شانزدهم رمضان پس از دیدار و گفت و گو با جمعی از علما به حرم رفت و «جقه برلیان الماس» روی سرش را پیشکش آستانه حضرت علی (ع) کرد. شاه دستور داد تا خزانه (گنجینه) حرم حضرت علی (ع) را که محلی برای نگهداری هدایا و پیشکش های پادشاهان و امراء در طول زمان بود و از زمان حملات وهابی ها یا به اعتقاد برخی از محققان از زمان فتح عتبات توسط نادر شاه تاکنون بسته شده بود را باز کنند (Amanat, 1997: 434-435). در این میان، پیشنهاد مدحت پاشا برای فروش گنجینه خزائن حرم علوی و احداث راه آهن میان ایران و نجف برای آسایش و راحتی زائرین عتبات با مخالفت علماء و بزرگان دین روبرو شد (الوردی، ۱۳۹۱: ۴۱۱/۱-۴۱۰). در هر حال، ناصرالدین شاه پس از ملاحظه اموال و جواهرات و اشیاء زینتی، دستور صورت کردن و ثبت و ضبط آنها در دیوان را داد تا از حوادث روزگار ایمن باشد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۳۲). شاه قبل از ترک نجف به علما و خادمان

و فقرا و ایتم، اموال زیادی را به رسم انعام توزیع کرد و از آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی از علماء و مجتهدین برجسته ساکن در عتبات خواست تا نزد وی برود. شاه مشیرالدوله را نزد وی فرستاد، قرار شد ایشان به حرم آمده و دیداری صورت گیرد. در این دیدار، شاه به وی احترام فراوان گذاشت (<https://www.khabaronline.ir/news/156624>).

ناصرالدین شاه و همراهان روز چهارشنبه بیستم رمضان به قصد عزیمت به کربلا از شهر نجف خارج شدند، شاه در این باره می‌نویسد: «... توی کالسکه نشستیم. بعضی کاغذهای وزیر خارجه را ملاحظه کردم، خودش هم بود. با مشیرالدوله حرف زدیم...» وارد صحن مقدس شدیم. رفتیم توی ضریح نماز کردم. [...] روز پنجشنبه بیست‌ویکم [شهر رمضان] بعد از نهار کاغذهای زیادی از خراسان سیستان و تهران که بود خوانده شد، جواب می‌نوشتیم... [دو ساعت به غروب مانده رفتیم زیارت. قاضی و اعضای مجلس کربلا در دم سراپرده بودند. [...] آخوند ملا حسین اردکانی را خواسته بودم برای پول فقرا که داده بودم، برساند. قدری صحبت علمی هم شد» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۴۴-۱۴۰).

شاه و همراهان پس از پشت سر گذاشتن ماجراهای بسیار در روز ۲۶ رمضان راهی بغداد شدند. به روایت ناصرالدین شاه: «... در صحرا عرفانچی روزنامه خواند، طولوزون هم بود. پیشخدمت‌ها اغلب بودند. [...] در راه زوار زیادی از خراسان، مسقط، تهران و ... می‌رفتند کربلا. [...] توی کالسکه کتاب گلستان [و] بوستان شیخ را می‌خواندم [...] بغداد تاریک بود رسیدیم به عمارت نماز کردیم [...]» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۵۰-۱۴۸). ناصرالدین شاه روز ۲۸ رمضان مجدداً عازم طاق کسری و زیارت قبر سلمان، حذیفه یمانی و خواجه عبدالله انصاری شد. اما روزشنبه اول شوال (روز عید فطر) برای شاه و همراهان روزی به یادماندنی بود، زیرا در این روز، مراسم سلام بسیار باشکوهی با حضور مقامات عثمانی برگزار شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۵۵-۱۵۴).

در هر حال، ناصرالدین شاه در روز یکشنبه دوم شوال از بغداد راهی سامرا شد. او قبل از ترک شهر بغداد هدایایی به پاشاها و عسکرها داده و خلعت‌های فراوانی بخشید و سپس برای زیارت به سامرا رفت و برای زیارت آخر و وداع عازم حرم شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۶۹-۱۶۴) سرانجام روز شنبه هشتم شوال به قصد بازگشت به ایران از سامرا حرکت کرد (<https://www.khabaronline.ir/news/156624>).

در یک ارزیابی کلی باید بیان کرد که ناصرالدین شاه در این سفر به زیارت بقاع متبرکه کاظمین و سپس کربلا و نجف رفت، از جاهای مختلف بازدید کرد و در نجف، جیفه الماس کلاه خود را به خزانه آستانه بقعه حضرت علی(ع) اهداء کرد. وی هنگام مراجعت به مأمورین عالی‌رتبه

دولت عثمانی در بغداد و کسانی که به عنوان مهماندار از شاه ایران پذیرایی کرده بودند، خلعت و انعام بخشید و در روز اول ذی حجه سال ۱۲۸۷ق. به تهران بازگشت (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۸۳۸/۱-۸۳۷).

سفر شاه به زیارتگاه‌های شیعیان در عراق عرب که اولین سفر خارجی او و نیز اولین برخوردش با تلاش‌های نوسازی عثمانی در عصر تنظیمات بود، نمایش آگاهانه‌ای از ابراز تدین و تحقق آرزوی وی برای زیارت حامی خود علی(ع) بود. او در حرم امام اول شیعیان در نجف طوری رفتار می‌کرد که گویی واقعاً سلطان شیعیان است و مورد استقبال بزرگان، علماء، مردم و حتی مقامات عثمانی قرار گرفت. در ملاقات رسمی با مجتهدان برجسته دو شهر مقدس نجف و کربلا و زیر گنبدهای حرم امامان شیعه، شاه گویی در ملک خویش بود (Amanat, 1997: 434-435). شاه ایران پس از بازگشت از سفر عتبات با ارسال نامه‌هایی خطاب به سلطان عثمانی و میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر ایران در عثمانی از برنامه‌ریزی و استقبال و پذیرایی از خود اظهار رضایت و خشنودی نمود (بایگانی نخست‌وزیری استانبول اراده خارجی: ش ۱۴۷۷۶، برگ ۱).<sup>۱</sup>

### سفر ناصرالدین شاه به اروپا و دیدار با سلطان و مقامات عثمانی در اسلامبول

یک تماس دیپلماتیک حضوری دیگر آن هم میان پادشاهان ایران و عثمانی در جریان بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اول به اروپا رقم خورد. موضع‌گیری‌ها و اقدامات ناصرالدین شاه برای بهبود مناسبات با دولت عثمانی چنان نظر اولیای این دولت را به خود جلب کرده بود که علاوه بر موافقت با سفر زیارتی شاه به عتبات عالیات، سه سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۰ق. ناصرالدین شاه در راه بازگشت از سفر اروپا، با استقبال رسمی و باشکوه مقامات عثمانی وارد پایتخت این کشور شد. شاه طی مدت اقامت در عثمانی علاوه بر بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی، مذاکرات و گفت‌وگوهای مفصلی با مقامات بلندپایه باب‌عالی در راستای اتحاد میان دو کشور و پرهیز از هر گونه تنش و اختلاف فی‌مابین به عمل آورد. این ملاقات‌ها و مذاکرات دوجانبه در تقویت هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان دو کشور مسلمان بسیار اثرگذار بود.

به روایت عبدالله مستوفی، سفر شاه به اروپا از روز ۲۱ ماه صفر سال ۱۲۹۰ق. از طریق بندر انزلی و خاک روسیه آغاز شد. ناصرالدین شاه و همراهان در کشتی‌هایی که مهمانداران روس برای او و همراهانش تدارک دیده بودند، سوار شدند. میرزا حسین خان مشیرالدوله که همانند سفر شاه به عتبات، مشوق اصلی وی در این سفر هم بود، در انتخاب ملتزمین شاه سعی کرد تا

<sup>۱</sup>. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱: ۱۸۴.

اشخاص متنفذ همراه او باشند. در این سفر، ناصرالدین شاه پس از بازدید از روسیه، لهستان، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، اتریش و عظیمت به بندر ایتالیائی برندیزی<sup>۱</sup> با کشتی‌ای که دولت عثمانی به استقبال او فرستاده بود، به جانب اسلامبول رهسپار شد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲: مقدمه: ۴-۵).

مستندترین منبع در ارتباط با این سفر، سفرنامه‌ای است که به نظر می‌رسد به قلم شخص ناصرالدین شاه و یا تقریر وی نوشته و مکتوب شده است. به روایت ناصرالدین شاه، در حدود ده ساعت مانده تا رسیدن به اسلامبول، شاه و همراهان مورد استقبال صدراعظم و دیگر مقامات عثمانی قرار گرفته و به افتخار ورود شاه ایران گلوله‌های توپ شلیک شده است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۱۸-۲۱۷). ناصرالدین شاه در بدو ورود به اسلامبول مورد استقبال سلطان عبدالعزیز قرار گرفت (Soofizadeh, 2014: 131-135) و تشریفات رسمی استقبال انجام شد. شاه شرح این ملاقات و نوع استقبال از خود را در سفرنامه خویش توصیف می‌کند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲: ۲۲۱). این بدان دلیل بود که در ماده دوم معاهده ارزنه‌الروم اول که در ۱۹ ذی‌قعدة سال ۱۲۳۸ ق. میان دو کشور به امضاء رسید، بر رعایت شأن و حرمت مقامات ایرانی و وابستگان آنها در سفر حج و عتبات توسط دولت عثمانی تأکید شده بود (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳۴۶/۱). ناصرالدین شاه به هنگام اقامت در اسلامبول علاوه بر دیدار با مقامات عثمانی، سفرا و نمایندگان دیگر کشورهای مقیم اسلامبول را نیز به حضور پذیرفته و با آنان به گفت‌وگو پرداخته است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۲۵-۲۲۴). شاه ایران یک روز نیز در کاخ چراغان مهمان سلطان عثمانی بوده است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۲۶). فردای آن روز ناصرالدین شاه پس از دیدار با عزالدین افندی فرزند سلطان عازم بازدید از مسجد ایاصوفیا می‌شود و از کتابخانه بزرگ مسجد نیز بازدید به عمل می‌آورد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۲۸-۲۲۷). ناصرالدین شاه در دعوت رسمی شام مجدداً مذاکرات مفصلی با سلطان و نمایندگان عثمانی و نیز سفرای کشورهای خارجی داشته است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۲۸). صبح روز بعد نیز شاه دیدار و گفت‌وگویی با سلطان عبدالعزیز داشته است: «[...] سلطان آمدند بالا باز نشستیم صدراعظمین هم بودند صحبت زیادی شد سلطان بسیار اظهار دوستی کرده برخاسته رفتند به منزل خودشان ما هم الی دم پله مشایعت کردیم» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۳۰).

سرانجام روز دوشنبه اول ماه رجب سال ۱۲۹۰ ق. ناصرالدین شاه پس از خداحافظی با سلطان و مقامات عثمانی و سفرای خارجی تصمیم به مراجعت به کشور گرفت. در جلسه خداحافظی نیز شاه با

<sup>۱</sup>. Brindisi

سلطان عثمانی پیرامون روابط دوجانبه به طور مفصل گفت‌وگو کرد و با بدرقه سلطان و انجام تشریفات رسمی اسلامبول را ترک کرد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۲۳۵-۲۳۴).

### پیامدها و نتایج سفرهای ناصرالدین شاه به عثمانی

اگر چه یکی از مهم‌ترین انگیزه سفرهای زیارتی شاه و مقام‌های بلندپایه حکومت قاجار، انجام اعمال حج و زیارت اماکن مقدس شیعه در عتبات عالیات بوده است، اما در این میان، علاوه بر انگیزه‌های معنوی و زیارت، اهداف سیاسی نیز مد نظر بوده است. بررسی محتوایی متن سفرنامه‌ها بیانگر این نکته است که افرادی مانند ناصرالدین شاه و شاهزادگانی چون عضدالملک، فرهاد میرزا معتمدالدوله و حسام‌السلطنه با هدف کسب یا تقویت مشروعیت مذهبی و نیز ساماندهی به روابط ایران و عثمانی و حل مسائل و موضوعات دوجانبه و حتی چندجانبه با دیگر کشورها آهنگ سفر می‌کردند (واعظ، ۱۳۹۶: ۱۰۶). ضمن آنکه سفرنامه‌های آنان به دلیل نقل برخی از جزئیات دیدار این شخصیت‌های ایرانی با دولتمردان عثمانی و سایر کشورها منبعی برای ارزیابی روابط ایران و عثمانی هستند و با مطالعه آنها می‌توان اطلاعات بسیار سودمندی را در این زمینه به دست آورد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۴).

سفر ناصرالدین شاه به خاک عثمانی نتایج و پیامدهای مختلفی داشت که در ادامه برخی از پیامدهای مهم این سفرها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

### حرمت‌گذاری و انجام تشریفات رسمی استقبال از پادشاه ایران

#### گفت‌وگو و مذاکره با سلطان و مقامات عالی‌رتبه عثمانی و سفرای کشورهای اروپایی

یکی از پیامدهای مهم سفر ناصرالدین شاه به خاک عثمانی، فراهم شدن فرصت گفت‌وگو و مذاکره برای حل مسائل مناقشه‌برانگیز میان دو کشور و تسهیل سفر زائران ایرانی به سفر عتبات و حج و نیز توسعه روابط با دولت عثمانی و حتی سایر کشورهای جهان این عصر است. در روزهای اقامت ناصرالدین شاه در عراق، عثمانی‌ها فرصت را برای رفع کدورت‌های سیاسی گذشته و حل‌وفصل موضوعات دوجانبه غنیمت شمردند، چنانکه مدحت پاشا که همه جا همراه شاه بود، در باره برخی موضوعات و گرفتاری‌های میان دو کشور با وی گفت‌وگو نمود (الوردی، ۱۳۹۱: ۴۱۳/۱-۴۱۲).

همچنین ناصرالدین شاه در بازگشت از سفر اروپا و به هنگام اقامت در اسلامبول، علاوه بر دیدار و مذاکره با مقامات عثمانی، سفرا و نمایندگان دیگر کشورهای مقیم اسلامبول را نیز به حضور پذیرفت و با آنان به گفت‌وگو پرداخت (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲: ۲۲۵-۲۲۴). شاه

ایران در مدت اقامت خود یک روز را هم مهمان سلطان عثمانی بود. وی در این روز علاوه بر ملاقات محرمانه و دوجانبه با سلطان عبدالعزیز، در سر میز ناهار با حضور صدراعظم‌های دو کشور مذاکرات مفصل و دوجانبه‌ای را انجام داد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲: ۲۲۶).

### فراهم شدن زمینه اتحاد و هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان ایران و عثمانی

یکی دیگر از نتایج و پیامدهای بسیار مهم سفر شاه و مقامات عالی‌رتبه ایران عصر ناصری به قلمرو عثمانی، فراهم شدن زمینه لازم برای هم‌گرایی سیاسی و مذهبی است. بررسی اسناد، شواهد و مدارک موجود به روشنی بیانگر عزم دو کشور برای دستیابی به اتحاد به‌رغم وجود دشواری‌ها و موانع بسیار است، چنانکه در جریان سفر تاریخی ناصرالدین شاه به عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ق. نمونه‌هایی از فراهم شدن شرایط و زمینه لازم برای هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان دو کشور دیده می‌شود. علاوه بر حضور ناصرالدین شاه در آرامگاه ابوحنیفه و فاتحه‌خوانی برای وی که پیش‌تر اشاره شد، در روز شنبه اول شوال (روز عید فطر)، مراسم سلام بسیار باشکوهی با حضور شاه و تعداد زیادی از مقامات ایران و عثمانی در بغداد برگزار شد که به گفته ناصرالدین شاه: «همچه سلامی در هیچ زمانی نشده بود» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۵۵-۱۵۴). در این مراسم تمام اهداف هم‌گرایی سیاسی و اسلامی از هر جهت رعایت شد. ناصرالدین شاه جزئیات این مراسم را اینگونه در سفرنامه خود ثبت و ضبط کرده است: «بعد از ناهار سلام عام شد، جقه آویز الماس [نشان] استعمال شد. همه نوکرها با لباس رسمی بودند. همه حاضر شدند رو به طرف خیابان و باغ سلام شد. [...] پاشای بغداد کمال پاشا گل پاشایان و اعیان و اشراف و وجوه بغداد با لباس‌های رسمی ایستاده بودند. والی پاشا، کمال پاشا، ناظم افندی بالا ایستاده بودند، سایرین پائین با افواج رومی، صاحب‌منصبان ایرانی شاهزاده‌ها و ... همه بالا پائین پُر بودند. فوج ایرانی توپچی ایرانی و ... هم طرف دیگر ایستاده بودند. خیلی سلام باشکوهی بود، مخاطب سلام وزیر دول خارجه بود، خیلی حرف زدیم. بعد نقیب‌باشی ما، خطبه عربی و فارسی بسیار خوبی که دیروز در کشتی وزیر خارجه سوده کرده بود، دست گرفته خوب خواند. بعد از نعت پیغمبر(ص) و اسمی از خلفای راشدین برده اسم مبارک جناب امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب را به آواز بلند ادا کرد، کمال فرح و انبساط به همه اهل تشیع دست داد. بعد اسم ما را ادا کرد. در آخر اسمی هم از سلطان عبدالعزیز خان پادشاه روم ذکر کرده. مفتی و قاضی و علمای سنی هم همه در پائین سلام ایستاده بودند. خلاصه همچه سلامی در هیچ زمانی نشده بود. الحمدالله تعالی. بسیار خوش و باشکوه گذشت» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲: ۱۵۵-۱۵۴).

بررسی محتوای اسناد نیز مؤید ادعای تلاش برای دستیابی به اتحاد سیاسی و مذهبی میان دو کشور به عنوان یکی از پیامدهای سفر خاطره‌انگیز ناصرالدین شاه به عتبات عالیات در خاک عثمانی است، چنانکه شاه به هنگام بازگشت از سفر عتبات در شوال سال ۱۲۸۷ق. با ارسال نامه‌ای به سلطان عبدالعزیز، ضمن تشکر از استقبال و پذیرایی باشکوه از خود در مرز خانقین از اقدامات و خدمات کمال پاشا نماینده ویژه سلطان و مدحت پاشا والی بغداد اظهار رضایت و خشنودی کامل نموده و انجام این سفر را نشانه حسن روابط و اتحاد دو کشور دانست (بایگانی نخست‌وزیری استانبول، اراده خارجی: ش ۱۴۷۷۶، برگ ۱).<sup>۱</sup> همچنین به استناد یکی از اسناد موجود در آرشیو عثمانی، ناصرالدین شاه بلافاصله پس از بازگشت از سفر عتبات با ارسال دست‌خطی به میرزا حسین خان مشیرالدوله با اظهار خرسندی از دیدگاه‌های خالی از تعصب مذهبی و هم‌سازگرایانه عالی پاشا صدراعظم عثمانی و برخورداری وی از صفات حسنه و نیز موافقت او با سفر زیارتی شاه به عراق عرب و عملکرد مناسب و مطلوب صدراعظم عثمانی در جریان این سفر اظهار امیدواری می‌کند که سفر وی به عتبات باعث تقویت هم‌گرایی و اتحاد بیشتر دو کشور ایران و عثمانی شود (بایگانی وزارت امور خارجه، اصل مکاتبات، ش ۱۷: ۲۹).<sup>۲</sup> بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که با وجود حُسن نیت دولت ایران در پرهیز از تنش و واگرایی با دولت عثمانی، بروز شایعاتی در میان عامه مردم و انجام پاره‌ای از اقدامات نسنجیده از سوی برخی از مقامات عثمانی، دشواری‌ها و موانع بسیاری بر سر اتحاد دو کشور ایجاد کرده است (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: س ۴۹۸ و ۵۰۲- ک ۲- ۱۲۹۳ق.).

### نتیجه‌گیری

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق.) متأثر از شرایط داخلی کشور پس از شورش‌های بابیه و بهائیت و نیز آگاهی از تاریخ روابط ایران با همسایگان در چند قرن گذشته کوشید تا مناسبات دولت ایران با همسایگان مسلمان را بر محور همگرایی سیاسی و مذهبی پی‌ریزی کند. یکی از اقداماتی که برای تحقق این هدف صورت گرفت، سفر شاه و مقامات بلندپایه حکومت قاجار با انگیزه‌های مختلف به خاک عثمانی بود و در این میان، دو سفر ناصرالدین شاه به قلمرو عثمانی که سفر اول، سفری زیارتی و مذهبی و سفر دوم، سفری سیاحتی و سیاسی بود، از جایگاه و اهمیت فراوانی در روابط دو کشور برخوردار است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سفرهای

۱. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۴.

۲. به نقل از: نصیری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۲.

ناصرالدین شاه به عثمانی نتایج و پیامدهای مختلفی نظیر انجام تشریفات دیپلماتیک و حرمت‌گذاری به شاه ایران از سوی مقامات عثمانی؛ کارکرد آشتی‌جویانه سفرها بر روابط ایران و عثمانی؛ فراهم شدن فرصتی برای دیدار حضوری، گفت‌وگو و مذاکره دوجانبه در باره اختلافات فی‌مابین؛ بازدید شاه از مکان‌های تاریخی و فرهنگی، صنایع و اختراعات جدید و درک ضرورت نوسازی در ایران؛ تأثیرپذیری و افزایش آگاهی عینی و کاربردی ناصرالدین شاه در حین سفر؛ نمایش قدرت و نفوذ سیاسی- فرهنگی ایران در شهرهای زیارتی عراق؛ افزایش نفوذ و قدرت عمل شاه قاجار در عراق عرب به هنگام اهدای هدایا و نیز ساماندهی امر تعمیر و ترمیم بناهای مذهبی شیعیان و همچنین متجلی شدن هنر ایرانی در اماکن متبرکه عراق در خاک عثمانی؛ بهبود وضعیت زوار ایرانی در سفر حج و عتبات؛ تغییر وضعیت ایرانیان و شیعیان ساکن در خاک عثمانی؛ کاهش تنش و اختلافات سیاسی، مذهبی و بهبود روابط ایران و عثمانی در عرصه‌های مختلف؛ تحقق نسبی اتحاد و همگرایی سیاسی و اسلامی میان ایران و عثمانی و در نهایت تأثیرات افکار و اندیشه‌های رایج در عثمانی بر ایران و فراهم شدن زمینه انقلاب مشروطه را در پی داشته است.

## منابع و مأخذ

### اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: سند ۹۵- کارت ۲۳- سال ۱۲۸۷ق.  
----- سند ۴۹۸ و ۵۰۲- کارت ۲- سال ۱۲۹۳ق.

### کتاب‌ها و مقالات

#### فارسی:

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۴۹، *صدرالتواریخ*، به تصحیح: محمد مشیری، تهران: وحید.  
الوردی، علی، ۱۳۹۱، *تاریخ عراق*، ترجمه: هادی انصاری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.  
امانت، عباس، ۱۴۰۰، *تاریخ مدرن ایران*، ترجمه: م. حافظ، [بی‌جا]: نشر فراگرد.  
امین‌الدوله، میرزا علی خان، ۱۳۷۰، *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله*، به‌کوشش: حافظ فرمانفرمائی، تهران: امیرکبیر.  
جعفریان رسول، «پنجاه سفرنامه حج قاجاری»، گفت‌وگو از مجتبی ذوقی، *ویژنه‌نامه هنر و کتاب و کتاب* الف، ۱۳۹۰، ش ۸۱، صص ۱۶۶-۱۶۴.

چرچیل، جورج پ. ۱۳۶۹، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه: غلامحسین میرزاصالح، تهران: زرین.  
حسام السلطنه، سلطان مراد، ۱۳۷۴، سفرنامه مکه (گزارش وقایع سفر به استانبول، مکه، مدینه، دمشق، بیت المقدس و مصر)، به کوشش: رسول جعفریان. قم: مشعر.  
حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، ۱۳۷۸، فارسنامه ناصری. جلد ۲. به تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

خان ملک ساسانی، احمد، ۱۳۵۴، یادبودهای سفارت استانبول، تهران: بابک.  
دانایی فر، حسن، «عناصر و مؤلفه‌های تاثیرگذار در روابط اقتصادی، بازرگانی و گردشگری دینی ایران و عراق (ناصرالدین شاه و عثمانی)». تاریخ روابط خارجی، ۱۳۹۲، ش ۵۵، صص ۹۹-۱۲۷.  
دوغان، اسراء، ۱۳۹۷، حجاج ایرانی در دولت عثمانی (قرون سیزده و چهارده هجری قمری)، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

ریاضی هروی، محمدیوسف، ۱۳۷۲، عین‌الوقایع، به تصحیح: محمدآصف فکرت. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.  
فرهاد میرزا معتمدالدوله، ۱۳۶۶، سفرنامه فرهاد میرزا، به تصحیح: غلامرضا طباطبایی، تهران: علمی.  
عضدالملک، علیرضا خان، ۱۳۷۰، سفرنامه عضدالملک به عتبات، به کوشش: حسن مرسلوند، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

لسان‌الملک سپهر، میرزا محمدتقی، ۱۳۷۷، ناسخ‌التواریخ، جلد ۳، به اهتمام: جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.  
کاستگر، آلبرت، ۱۳۹۸، گزارش‌ها، سفرنامه‌ها و اسناد کاستگر خان، ترجمه و تصحیح: مهدی وزینی افضل و علی ابوالقاسمی، جیرفت: دانشگاه جیرفت.  
ممتحن‌الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان و هاشم خان، ۱۳۶۵، رجال وزارت خارجه، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.

ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، سفرنامه ناصرالدین شاه، تهران: کتابخانه سنائی.  
\_\_\_\_\_ [ابی تا]، سفرنامه ناصرالدین شاه، کرپلا و نجف، به خط: میرزا رضا کلهر، تهران: سنائی.  
\_\_\_\_\_ ۱۳۶۲، سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ، با مقدمه: عبدالله مستوفی، اصفهان، مشعل و غزال.  
\_\_\_\_\_ ۱۳۷۲، شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)، به کوشش: محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

نصیری، محمدرضا، ۱۳۷۱، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران (قاجاریه)، جلد ۳. تهران: کیهان.  
واعظ (شهرستانی)، نفیسه، «انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۳۹۶، ش ۱۵، صص ۱۰۳-۱۲۲.  
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۶، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران: امیرکبیر.

سایت:

<https://www.khabaronline.ir/news/156624> گزارش سفر ناصرالدین شاه به عتبات به قلم

یکی از علمای کرپلا، رسول جعفریان.

لاتین:

Amanat, Abbas, 1997, *Pivot of the Universe: Nasir Al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy*, 1831-1896, Berkeley: University of California.

Azarbadegan, Zeinab "Imagined Geographies, Re-invented Histories: Ottoman Iraq as Part of Iran," *Journal of the Ottoman and Turkish Studies Association*, 2018, 5: 115-141.

Sarıkaya, M. S. Dini ve siyasi bakımdan Osmanlı-İran münasebetleri, *Türk Kültürü*, 1993, 363, 406 -422.

Soofizadeh, Abdolvahid, 2014, "Kaçar Döneminde İran-Osmanlı Siyasi İlişkileri". Doktora Tezi. Ankara Üniversitesi.

